

مؤلفه‌های مدیریت نظامی و فرماندهی

پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله

رضا شاهقلیان قهفرخی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳

چکیده

پیامبر اکرم(ص) با استفاده از شیوه‌های جدید نظامی و با فرماندهی و مدیریت بسیار دقیق برتری عددی و تجهیزاتی دشمن را خشی می‌کرد؛ هدف این پژوهش بررسی شیوه‌های نظامی به کار گرفته شده در مدیریت و فرماندهی پیامبر اکرم(ص) در جنگ‌های مختلف است. با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخگویی به پرسش اصلی مقاله، یعنی «اصول و شیوه‌های نظامی در مدیریت و فرماندهی پیامبر اکرم(ص) چیست؟» از روش توصیفی - تحلیلی به منظور بررسی موضوع استفاده شده است که از نظر نوع تحقیق در دسته پژوهش‌های کاربردی قرار دارد. ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی و منابع اینترنتی است. با تجزیه و تحلیل پرسش این مقاله، می‌توان پاسخ روشنی به آن داد و آن تعدادی از اصول و روش‌های نظامی مورد استفاده پیامبر اکرم(ص) در جنگ است. نتایج تحقیق نشانگر این است که چهار شاخص مهم در مدیریت و فرماندهی پیامبر اکرم(ص) نقش بسیار مهمی در پیروزی ایشان در جنگ‌ها داشت که عبارت است از: ۱. استفاده از انواع اصول و روش‌های جنگی ۲. خلاقیت و نوآوری در جنگ‌ها ۳. آمادگی و آموزش فنون جنگی به لشکر ۴. سازماندهی نیروها و تجهیزات در جنگ‌ها.

کلید واژه‌ها: پیامبر اکرم(ص)، اصول و شیوه‌های نظامی، مدیریت، فرماندهی.

مقدمه

هدف از بعثت پیامبران علیهم‌السلام آموزش و پرورش و رهنمون شدن بشریت به سوی سعادت است. خداوند متعال دین اسلام را دین واقعی نزد خود (آل عمران/۱۹) و حضرت پیامبر اعظم (ص) را آخرین پیامبر (احزاب/۴۰) و قرآن مجید را آخرین کتاب آسمانی معرفی می‌کند (بقره/۲) و پیامبر اکرم (ص) را الگوی تمام عیار بشریت قرار، «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱) و به انسانها اطاعت از رسول‌الله را فرمان، (نساء/۵۹؛ نساء/۸۰؛ حشر/۷) و تمسک به قرآن و اهلیت را ضامن سعادت بشر قرار می‌دهد. از آنجا که پیامبر اعظم (ص)، یکی از افراد جامعه بود در سیره آن حضرت ابعاد زیادی به چشم می‌خورد که یکی از آنها روش آن حضرت در جنگها و استفاده از شیوه‌های نظامی خاص در مدیریت و فرماندهی خود است. از زمان آشکارشدن بعثت، حضرت محمد با جدیت‌ترین مشکلات در جهت ترویج و تبلیغ دین اسلام روبه‌رو شد. در آن زمان طرفداران دین او و یا همان سپاه اسلام نسبت به سپاه دشمنان بسیار اندک بودند. با آمدن اسلام، موقعیت اجتماعی و حکومتی بسیاری از مشرکان و هم‌چنین حاکمان وقت با مشکل روبه‌رو شد و لذا آنها در صدد برآمدن تا با عناوین مختلف با او وارد جنگ شوند؛ اما چگونه پیامبر با سپاه اندک می‌توانست در برابر سپاه دشمنان غلبه کند که از هر نظر بر سپاه اسلام برتری داشت؟ البته سپاه اسلام در بعضی از جنگها با اتکا به سلاح ایمان و انگیزه شهادت پیروز می‌شدند ولی این کافی نبود. پیامبر اکرم (ص) با استفاده از روشهای جدید نظامی و با فرماندهی بسیار دقیق، این برتری عددی و تجهیزاتی دشمن را خنثی می‌کردند. در این مقاله بعضی از مهمترین مؤلفه‌های مدیریت نظامی پیامبر اکرم (ص) بیان می‌شود که باعث پیروزی سپاه اسلام شد.

بیان مسئله

نویسندگان بسیاری درباره ابعاد گوناگون زندگی رسول اکرم (ص) پژوهشهای زیادی انجام داده‌اند. آنان در خلال پژوهشهای دامنه‌دار خود از ویژگیهای منحصر به فرد و پسندیده‌ای پرده برداشتند که در وجود آن رسول همام متجلی است و سپس این ویژگیها و صفات را با دلایل و شواهد آشکار به صورت کتاب درآوردند و فراروی جهانیان گذاردند به طوری که این کتابها در هر کتابخانه‌ای یافت می‌شود. در این زمینه، برخی از نویسندگان درباره اخلاق آن حضرت نگاشتند و برخی درباره عدالت و پایداری وی سخن راندند؛ پاره‌ای از آنها درباره نوع دوستی مطالبی به رشته تحریر درآوردند و دسته‌ای

هم عنان قلم را به سوی زهد حضرت کشاندند؛ اما به‌رغم اینکه درباره ایشان آثار فراوانی نگاشته شده، جنبه‌های مهمی در زندگی ایشان همچنان باقی مانده که به‌طور کامل مورد بررسی و مذاقه قرار نگرفته است.

کتابهای تاریخی عربی و اسلامی سرشار از صحنه‌های منحصر به فرد و درخشانی درباره این بعد زندگی پیامبر(ص) است که سزاوار است به آنها توجه کرد و با زدودن گردوغبار و گذشت زمان، لباس امروزی بر آن پوشاند و به‌گونه‌ای عرضه کرد که هم با ذوق و سلیقه افراد نظامی و هم با ذوق و سلیقه غیرنظامی سازگاری داشته باشد. یکی از دلایلی که افراد را از نوشتن درباره این بعد پیامبر(ص) رویگردان کرده، ممکن است نداشتن تخصص کافی در این زمینه باشد؛ لذا دغدغه نویسنده در این مقاله صرفاً پژوهشی است برای بررسی و احصاء مؤلفه‌های مدیریت نظامی و فرماندهی پیامبر اکرم(ص) در جنگها و مبارزات آن حضرت.

هدف تحقیق

هدف پژوهش بررسی و احصاء مؤلفه‌های مدیریت نظامی و فرماندهی پیامبر اکرم(ص) در جنگهای مختلف است.

پرسش تحقیق

مؤلفه‌های مدیریت نظامی و فرماندهی پیامبر اکرم(ص) چیست؟

روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و در مسیر پاسخگویی به پرسش این تحقیق از روش توصیفی - تحلیلی به‌منظور بررسی موضوع استفاده شده است. روش توصیفی - تحلیلی این است که محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. محقق برای تبیین و توجیه دلایل به تکیه‌گاه استدلالی محکمی نیاز دارد. این تکیه‌گاه از طریق جستجو در ادبیات و مباحث نظری تحقیق و تدوین گزاره‌ها فراهم می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۴: ۷۱). ابزار گردآوری اطلاعات و داده‌ها نیز به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی و منابع اینترنتی است؛ لذا در این روش با مطالعه چندین کتاب، فصلنامه تخصصی، مقالات و تحقیق دیگر پژوهشگران و جستجو در فضای اینترنت، اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردیده، و سعی شده است، تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌صورت کیفی صورت پذیرد و به پرسش‌های تحقیق پاسخ مناسبی داده شود.

پیشینه تحقیق

پژوهشهایی که به لحاظ موضوعی با موضوع این تحقیق به شکل مستقیم ارتباط داشته باشد احصاء نشد؛ لذا از بین پژوهشها می‌توان به برخی از موارد زیر که با موضوع این مقاله مرتبط است، اشاره کرد:

۱. مقاله‌ای با عنوان «الگوی پیروزی مجاهدان اسلام در جنگ‌های ترکیبی از منظر قرآن کریم» که توسط سورنا کیانی در سال ۱۳۹۵ در فصلنامه علوم و فنون نظامی نوشته شده است.
۲. مقاله با عنوان «تحلیل هرمنوتیک عملیات روانی در عصر نبوت پیامبر اسلام(ص)» که توسط مهدی رشیدی و داود آذر در سال ۱۳۹۵ در فصلنامه علوم و فنون نظامی منتشر شده است.
۳. مقاله با عنوان «سازماندهی جنگی در غزوات عصر پیامبر(ص)» که توسط اصغر قائدان در سال ۱۳۹۷ در فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تاریخی جنگ به چاپ رسیده است.

ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۱. مفهوم‌شناسی

تاکتیک^۱: تاکتیک از یک لغت یونانی به نام تالتیکوم^۲ گرفته شده که به معنی در خط ایستادن و شکل دادن و مهارت چگونه نظام گرفتن و چگونه گسترش دادن نیروهای نظامی در نبرد است. می‌توان به‌طور کلی تاکتیک را این گونه تعریف کرد که تاکتیک هنر چگونه جنگیدن است (تاکتیک‌های گردان زرهی، ۱۳۷۶: ۲).

مدیریت^۳: به‌معنای هماهنگ‌سازی تمام منابع سازمان به‌منظور تحقق اهداف سازمانی است. از هنگام پیدایش سازمانهای نظامی در جهان، مدیریت در آنها نیز مطرح شده است. چهار وظیفه اصلی مدیریت عبارت است از: ۱. سازماندهی^۴ ۲. برنامه‌ریزی^۵ ۳. رهبری^۶ ۴. نظارت^۷ (David & Vorfleet, 1979: p.1-12).

سازماندهی عنوانی است که برای چگونگی ترتیب و آرایش نظامیان و تقسیم آنان در لشکرهای

1. Tactic
2. Taltikom
4. Management
4. Organization
5. Planning
6. Leading
7. Controlling

زمینی، دریایی، هوایی بر حسب مأموریت، طبیعت زمین، شمار نیروها و نوع مانور به کار می‌رود. هدف سازماندهی، تضمین و تأمین بهترین کاربرد ممکن از ابزارها و امکانات جنگی است (ایوبی، ۱۹۸۵: ۲۷۵).

برنامه‌ریزی یکی از وظایف مهم مدیریت است که در عرصه نظامی، طرح سیاست کلی، نقشه‌های جنگی، بررسی تعداد نیروهای لشکر و سلاحهای آنها، وضع قوانین و نظامنامه‌ها، آماده‌ساختن فرماندهان عالی و تعیین شرایط انتخاب آنان بر عهده آن است. برنامه‌ریزی در حیطه مدیریت سازمانی قرار می‌گیرد که به‌همراه سازماندهی، بسیج منابع و امکانات و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده شکل می‌گیرد. رهبری در عرصه نظامی در عصر حاضر به فرماندهی تعبیر می‌شود. فرمانده نظامی در واقع علاوه بر رهبری سازمان، مدیریت میدان عملیات را هم برعهده دارد. او هم در عرصه راهبرد و هم در عرصه روشها نقش کلیدی و اصلی را ایفا می‌کند. تدوین راهبرد را به‌تنهایی یا با نظر شورایی از مستشاران انجام می‌دهد و سرانجام آن را به اجرا در می‌آورد که در حیطه مدیریت عملیات قرار می‌گیرد. نظارت بر اجرای راهبرد و اهداف و برنامه‌های از پیش تعیین شده به‌طور منظم، یکی دیگر از وظایف مدیریت است که در عرصه نظامی در حیطه فرماندهی و به‌عبارتی رهبری سازمان قرار می‌گیرد (قائدان، ۱۳۸۵: ۹).

۲. سیره پیامبر اکرم (ص) در جنگها

پیامبر اعظم (ص) در دوران اقامت در مکه، عملاً پیشوایی الهی بود که فعالیتهای او در جهت هدایت مردم و مبارزه فکری و اعتقادی با مشرکان و بت‌پرستان مکه محدود می‌شد؛ اما پس از استقرار در مدینه، علاوه بر ابلاغ رسالت دینی و رهبری آن باید رهبری سیاسی مسلمانان را نیز به‌عهده می‌گرفت؛ زیرا در مدینه وضع جدیدی پیش آمده بود. ایشان گامهای نخست را در جهت پی‌ریزی جامعه‌ای نوین براساس آموزه‌های اسلام برداشت و از این‌رو خطرها و مشکلات احتمالی را پیش‌بینی، و به‌صورت رهبری آگاه، شایسته و دورنگر چاره‌اندیشی می‌کرد. بستن پیمان برادری میان دو گروه از مسلمانان، تنظیم و تصویب پیمان‌نامه عمومی و نیز امضای عدم تجاوز با یهود، نمونه‌ای از این اقدامات پیشگیرانه بود. سوره‌ها و آیاتی (احکام و دستورهای سیاسی و اجتماعی را دربردارد) در مدینه نازل شد و راهگشای پیامبر اعظم در این حرکت‌های سیاسی بود؛ چنانکه از سوی خداوند اجازه دفاع و جهاد صادر شد: «الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنَ دْيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ» (حج/۴۰ - ۳۹). این آیه شریفه متضمن اجازه به مسلمانان به قتال با کفار، و این اولین آیه‌ای است که درباره جهاد نازل شده است که به‌دنبال آن پیامبر اعظم به

تشکیل نیروی دفاعی تصمیم گرفت. البته تشکیل چنین نیرویی با توجه به اینکه با هجرت پیامبر اعظم و دیگر مسلمانان از مکه به مدینه دست مشرکان مکه از آزار و اذیت و شکنجه‌های مسلمانان کوتاه شده و پس از هجرت احتمال حمله نظامی به مرکز اسلام (مدینه) بود، اهمیت بسیاری داشت؛ لذا در سیره آن حضرت می‌بینیم که پس از تشکیل نیروی دفاعی، ستونهای اعزامی برای مأموریت‌های نظامی یا عملیات گشتی در اطراف مدینه دیده‌بانی می‌کردند. در اسلام ناب محمدی هدف تشکیل نیروهای مسلح و جهاد، خشونت‌طلبی نیست بلکه هدف حقیقی آن تأمین امنیت و صلح است؛ صلحی که همراه با پیروی از قوانین یکتاپرستی باشد. هدف پیامبر اسلام تأمین آرامش عمومی و ترویج جامعه توحیدی و تعمیم عدالت و مساوات اسلامی و زدودن شرک از صفحه گیتی و گسترش دارالاسلام بود. این موضوع را می‌توان از مطالعه سیره پیامبر در جنگها به دست آورد (اشراق، ۱۳۶۰: ۱۲۶ - ۱۲۹).

مشورت و شوری. موضوع مشورت در جامعه بویژه برای رهبری، آن قدر مهم است که خداوند متعال به حبیب خود دستور مشاوره می‌دهد: «... فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (آل عمران/۱۵۹): پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب و در کارها با آنها مشورت کن؛ اما هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش و بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. خداوند در آیه دیگر مشورت کردن را از صفات نیکان شمرده است...» و امرهم شوری بینهم (شوری/۳۸) کارهایشان را به صورت مشورت انجام می‌دهند.

البته پیامبر (ص) هرگز در احکام الهی مشورت نمی‌کرد بلکه در آنها صرفاً تابع وحی بود. بنابراین، مورد مشورت، تنها طرز اجرای دستور و چگونگی انجام دادن احکام الهی است؛ به عبارت دیگر آن حضرت در قانونگذاری هیچ وقت مشورت نمی‌کرد و تنها در شیوه اجرای قانون، نظر مسلمانان را می‌خواست؛ لذا وقتی پیامبر اعظم پیشنهادی را مطرح می‌کرد، مسلمانان، سؤال می‌کردند که آیا این حکم الهی و قانون است که قابل اظهار نظر نیست یا به چگونگی تطبیق و اجرای قانون مربوط است. البته خداوند متعال، تصمیم نهایی در باب مشورت رسول خدا را به خود آن حضرت واگذار کرده است؛ چنانکه می‌فرماید: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ... (آل عمران/۱۵۹): هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش و بر خدا توکل کن». پیامبر اعظم (ص) نیز به حکم آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران/۱۵۹) با مردم در کارهای ضروری به مشورت می‌نشست و با تشکیل جلسات شورا به آنان حق رأی می‌داد و آنجا که حکم قطعی الهی نبود، نظر دیگران را می‌شنید و با گزینش برترین آرا با توکل بر خدا و عزم و اراده در اجرای آن کار می‌کوشید؛ نظر و انتقادات اشخاص را با سعه صدر می‌شنید که در ذیل به چند

مورد اشاره می‌شود:

الف. مشورت در جنگ بدر. آن حضرت در جنگ بدر در سه مرحله اصحاب خود را به مشاوره دعوت کرد:

۱. در اینکه آیا با قریش بجنگند یا خیر؟ نخست ابوبکر گفت بزرگان قریش و دلاوران در این جنگ شرکت دارند و ما نیز با آمادگی کامل از مدینه بیرون نیامدیم. پیامبر فرمود بنشین. سپس عمر برخاست همین حرفها را تکرار کرد. پیامبر اعظم دستور داد بنشین. سپس مقداد بلند شد و گفت ای پیامبر خدا، قلوب ما با شماست. آنچه را خدا به تو دستور داده است، همان را تعقیب کن و ما نیز در رکاب شما نبرد می‌کنیم. پیامبر در حق او دعا کرد. در آخر سعد بن معاذ انصاری گفت ای پیامبر! ما به تو ایمان آورده‌ایم هرچه تو تصمیم بگیری ما از تو پیروی می‌کنیم... و هرگز از روبه‌رو شدن با دشمن نمی‌ترسیم. ما را به فرمان خداوند به هر نقطه‌ای که صلاح است روان کن. پیامبر بلافاصله فرمان حرکت صادر، و فرمود حرکت کنید و بشارت باد به شما که ... (تفسیر الثعالبی، ۱۱۷/۲؛ التبیان ۸۲/۵؛ جوامع الجامع ۷/۷، تفسیر ابن کثیر ۳۰۱/۲؛ الدور المنثور ۱۶۹/۳، سلام بر خورشید ۱۷۲/۲).

۲. در اینکه محل اردوگاه، کجای میدان باشد به مشورت پرداخت. سرانجام با مشورت اصحاب، پیامبر اعظم (ص) اردوگاه را کنار چاه بدر قرار دادند.

۳. درباره چگونگی رفتار با اسیران جنگ بدر نظر خواست. برخی کشتن آنها را ترجیح دادند و بسیاری به آزادی آنها در برابر پرداخت فدیة و سربها رأی دادند. نظر دوّم با اکثریت تصویب شد و پیامبر نیز همین رأی را پذیرفت.

ب. مشورت در جنگ احد. پیامبر اعظم درباره شیوة جنگ احد که آیا در شهر بمانیم و از مردم دفاع کنیم و یا از مدینه بیرون رویم و با دشمن بجنگیم به مشورت پرداخت. در نتیجه، آن حضرت خروج از شهر را بر قلعه‌داری و جنگ تن به تن در مدینه ترجیح داد و پس از تعیین شیوة دفاع وارد خانه شد و زره پوشید.

ج. مشورت در جنگ خندق. هنگامی که پیامبر توسط دستگاه اطلاعاتی مسلمانان از نقشه نظامی احزاب بر ضد اسلام اطلاع یافت، فوراً شورای دفاعی تشکیل داد و درباره روش دفاع به مشورت پرداخت و رأی سلمان فارسی، که کندن خندق بود به اتفاق آرا تصویب شد و پیامبر در کندن خندق مانند دیگران کلنگ به دست گرفت.

د. مشورت در جنگ خیبر. پیامبر درباره فتح قلعه خیبر به مشورت پرداخت و پس از بررسی

زمینهای خیبر به رأی یکی از دلاوران اسلام به نام «حباب بن منذر» اتفاق کردند و ستاد جنگ را به پشت نخلها انتقال دادند و در طول تسخیر خیبر، هر روز افسران و پیامبر از آنجا به سوی دژها می‌آمدند و شبانگاه به ستاد ارتش باز می‌گشتند و با مشورت‌های سربازان اسلام قلعه‌های خیبر یکی پس از دیگری به دست آنان فتح شد.

هـ مشورت در جنگ تبوک. وقتی ارتش اسلام برای جلوگیری از حمله احتمالی سپاه روم به سرزمین تبوک رسید و اثری از اجتماع سپاه روم نبود، پیامبر اعظم درباره پیشروی در خاک دشمن و یا بازگشت به مدینه با سپاهیان خود به مشورت پرداخت. نتیجه مشورت این شد که سپاه اسلام بر اثر سختی‌های زیادی که طی راه تبوک دیده‌اند برای تجدید قوا به مدینه باز گردد. علاوه بر این، مسلمانان در این مسافرت به هدف عالی خود، که پراکنده ساختن سپاه روم بود، رسیده بود و رعب و هراس شدیدی در دل رومیان افکنده بودند و آن حضرت فرمود من نظر شورا را محترم می‌شمرم و از همین جا به مدینه باز می‌گردیم (آیتی، ۱۳۷۸: ۳۱۰).

۳. مدیریت منابع و نیروی انسانی در جنگ‌های پیامبر(ص)

یکی از ابزارهای تحقق و حفظ حاکمیت و تأمین امنیت اجتماعی و سیاسی، داشتن نیروی انسانی کارآمد و با تجربه، چه در ابعاد مدیریتی و چه در ابعاد نظامی است، ضرورت این امر توسط حضرت حق برای رسول خدا(ص) طی آیاتی ابلاغ و آشکار شد: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدوالله و عدوكم» (انفال/۶۰). این آیه در حقیقت مبنای تأمین منابع اعم از منابع تسلیحاتی و تجهیزاتی و براساس قولی از پیامبر(ص) قوه را (نیرو) تیراندازی تفسیر می‌کردند و نیز منابع انسانی شامل نیروی جنگی و مدیران باتجربه و فرماندهان کار کشته در جنگ بود. از آن هنگام رسول اکرم(ص) برای اعمال مدیریت خود در این عرصه به تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای مقابله با دشمنان و دفع فتنه و تأمین امنیت جامعه اسلامی پرداخت.

- بسیج نیرو: قبل از اینکه پیامبر(ص) به مدینه هجرت کند براساس پیمان‌نامه‌ای که به بیعة‌الحرب معروف شد با مردم مدینه پیمان بستند و آنها ملزم شدند از رسول خدا(ص) و مسلمین در داخل شهر مدینه حفاظت کنند و در جنگ با دشمنانشان به حمایت از آنان پردازند. بر این اساس تا جنگ بدر یعنی سال دوم هجرت، نیروی انسانی و نیروی رزم سپاه پیامبر(ص) تنها از مهاجرانی که همراه پیامبر(ص) به مدینه آمده بودند، تشکیل می‌شد و انصار در جنگ‌های قبل از آن حضور نداشتند. وقتی رسول خدا(ص) در منطقه بدر که البته برای جنگ خارج نشده بودند به‌درگیری با مشرکان ناچار

شدند، نمی‌خواستند بر انصاری که ایشان را همراهی می‌کردند، چیزی خارج از وظیفه و تعهدشان تحمیل کنند؛ لذا برای استفاده از نیروی نظامی انصار در این جنگ، انتخاب را به خود آنان سپردند و نگرانی خود را از این بابت اعلام کردند که نباید چیزی را به ایشان تحمیل کنند. انصار اظهار کردند که ما در هر کجای دنیا که باشد و شما اراده کنید در کنار شما با دشمنانتان خواهیم جنگید. از این هنگام سپاه اسلام با دو هسته مهاجر و انصار شکل گرفت و تا آخرین جنگها این دو نیرو در کنار یکدیگر در غزوات و سرایا حضور داشتند (واقعی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۳؛ ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۲: ۳۲۳).

بسیج نیروی انسانی در عصر پیامبر(ص) به دو صورت جزئی و کلی و در مجموع، آنجا که بحث تهاجم و جهاد ابتدایی مطرح بود، داوطلبانه (مطوعه) انجام می‌شد. از آنجا که نخستین درگیریهای مسلمانان انگیزه‌های تهاجمی - تدافعی را توأمان داشت و در جهاد ابتدایی بحث کفایت مطرح بود، اگر نیروی نظامی احضار شده برای جنگ کفایت می‌کرد از عهده بقیه مسلمین برداشته می‌شد و بنابراین در نخستین درگیریها بویژه غزوه مهم بدر، بسیج به صورت جزئی صورت گرفت و پیامبر(ص) مردم را برای شرکت در این جنگها به طور عام فرا نمی‌خواند، بلکه تعداد محدودی و آن هم به اندازه نیاز و ضرورت برای شرکت در جنگ بسیج می‌کرد. بر این اساس تنها کسانی که از ایمان و انگیزه کامل برخوردار بودند و توانایی جنگیدن و نیز امکان تدارک سلاح و منابع مادی برای جنگ داشتند، بسیج می‌شدند. البته در جنگهای متأخرتر عصر پیامبر(ص)، که غزوه‌ها مستلزم نیروی زیادتری بود یا حالتی دفاعی داشت (مثل غزوه خندق و تبوک و فتح مکه و نبرد حنین)، پیامبر(ص) با بسیج همگانی و عمومی، همه مسلمانان را به شرکت در جنگ ملزم می‌کردند؛ پس از چندی خداوند برخی از جمله زنان، پیرمردان و ناتوانان جسمی، نابینایان و بیماران و... را از حضور در جنگ معاف ساخت .

در قرآن کریم نیز از این دو نوع بسیج جزئی و عمومی یاد شده و خداوند آن را به رسولش ابلاغ فرموده است: «انفروا خفافاً و ثقلاً و جاهدوا باموالهم و انفسهم (توبه/ ۴). مفسران و محدثان، «خفاف» را به معنی سبکبال، سبک اسلحه و نیز تعداد کم برای جنگ و «ثقال» را به معنی سنگین اسلحه و تعداد فراوان ذکر کرده‌اند. در این آیه «انفروا»، فرمان برای بسیج) به ثقال و خفاف معطوف شده است. بنابراین، تعبیر کاملتر این است که خداوند پیامبرش را به بسیج جزئی و همگانی فرمان می‌دهد (قرطبی، ۱۹۶۷، ج ۳: ۱۵۰)، اما میزان بسیج را نوع جنگها و درگیریها، بسته به مسیر حرکت، نوع و تعداد دشمن، مکان، بستر و اهمیت جنگ برای فرمانده کل سپاه یعنی رسول خدا(ص)، تعیین می‌کرد و این نمایش مدیریت عالی بسیج نیروی انسانی و امکانات بود. در سریه‌ها، که معمولاً غافلگیرانه، شبانه و کاملاً در

پوشش انجام می‌شد و به حضور تعداد اندکی نیاز داشت از ۳ تا ۳۰ نفر و گاهی از ۳۰ تا ۳۰۰ نفر نیرو بسیج می‌شدند. سریه در عصر جاهلیت یگانی رزمی بود که غالباً از سه تا سی نفر آن را تشکیل می‌دادند. رسول خدا(ص) در طول دوران حضور در مدینه (از سال اول تا دهم هجری) ۴۷ سریه تدارک دیدند که میانگین نیروی آنها حدود ۲۰ نفر بود (۴۷ مأموریت جنگی تقریباً با ۱۰۰۰ نفر نیرو)، که حداقل مدیریت نیروی انسانی در نبرد است؛ اما در غزوه‌ها که جنگی تمام عیار، آشکار و در روز با سازماندهی منظم و نیروی فراوان بود، بسیج نیروی انسانی صورتی دیگر داشت و با تعداد فراوانی انجام می‌شد. در برخی غزوه‌ها، که اهمیت چندانی نداشت یا با نیروی عظیم دشمن روبه‌رو نبودند یا مسیر آن چندان برای حرکت راحت نبود، پیامبر(ص) نیروی انسانی زیادی برای آن بسیج نمی‌ساختند. برخی از این غزوه‌ها (نخستین غزوه به نام ودان) حتی با ۳۰ نفر انجام می‌شد (واقعی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۹).

پیامبر(ص) در ابتدای حکومت خویش توان زیادی برای بسیج عظیم و عمومی نداشتند؛ زیرا هنوز پایه‌های حکومت استوار نشده، سازمان سپاه، شکل نگرفته بود و تجهیزات و امکانات جنگی به اندازه کافی در اختیار نبود و علاوه بر آن مسلمانان در اقلیت قرار داشتند. نخستین غزوه بزرگ و سرنوشت‌ساز (بدر) با ۳۱۳ نفر نیروی رزمی، مدیریت و فرماندهی شد (طبری، ۱۹۶۱، ج ۲: ۴۳۱). سیر تحول و تکامل مدیریتی در نیروی انسانی آن‌قدر برق‌آسا بود که پیامبر(ص) هفت سال بعد توانستند این تعداد نیروی رزم را در غزوه تبوک به ۳۰ هزار نفر گسترش دهند و این نمونه‌ای عالی و بسیار شگفت‌انگیز از مدیریت نیروی انسانی و توانمندی برای بسیج نیرو است. البته پیامبر(ص) به‌عنوان فرمانده و مدیری راهبردی، براساس نیازها و الزامات عملیاتها به بسیج نیرو می‌پرداخت. در یک اصل نظامی برای بسیج نیرو تأکید می‌شود اگر تعداد نیروهای خودی بیش از دشمن باشد، می‌توان به تهاجم و عملیات هجومی دست زد و در صورتی که از نیروهای دشمن کمتر باشد، باید به عملیات دفاعی رو آورد؛ این اصل را رسول خدا(ص) بخوبی مراعات می‌کردند؛ برای مثال در غزوه بنی قریظه، تعداد لشکریان اسلام سه هزار نفر در برابر ۷۵۰ نفر از بنی قریظه؛ در غزوه خیبر ۱۵۰۰ نفر در برابر هزار نفر از یهودیان و در فتح مکه، ده هزار نفر در برابر ۶ هزار نفر بسیج و وارد جنگ شدند (ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۴: ۴۲؛ واقعی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۵۱۰، ۵۲۲)؛ با این حال تلاش پیامبر(ص) بر اصل صرفه‌جویی در نیروها بود و می‌کوشید تا برحسب اوضاع، نیروهای کمتری را وارد درگیریها کند. این کار با هدف حفظ نیروهای جنگجو و درواقع به سوی هلاکت نفرستادن آنان بود؛ زیرا این نیروها جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برای پیشبرد اهداف عالی اسلام داشتند؛ از این‌رو، تعداد کل شهیدان در طول نه سال فرماندهی پیامبر(ص) و بیش از

هشتاد درگیری، فقط ۳۱۷ تن بودند (ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۳: ۳۵۷؛ ابن سعد، بی تا، ج ۲: ۳۶ - ۶۱). بسیج نیروی نظامی برای جنگ در عصر رسول خدا(ص) صرفاً داوطلبانه صورت می گرفت. در عصر خلیفه دوم نیروی جدیدی با عنوان «مرتزقه» بسیج شد که وظیفه آنها صرفاً جنگ و حضور در عرصه‌های نظامی بود در حالی که انگیزه نیروهای مطوعه یا داوطلب، رضای خدا و رسول او به اجر و فضیلت جهاد در اسلام بود. نمونه‌ای دیده نمی شود که پیامبر(ص) کسی را برای حضور در جنگ به اجبار یا به اکراه بسیج کرده باشد. شخصیت کاریزمایی پیامبر(ص) و تقدس رهبری و فرماندهی تحت لوای دینی کامل، همواره سیل مریدان و نیروهای فرمانبر و عاشق را به سوی خود جذب کرده بود؛ اصلی که در جنگهای معاصر و متأخر نیز از اصول و ارکان مدیریت و فرماندهی نظامی است. پس از اینکه اسلام در اقصی نقاط شبه جزیره گسترش یافت و قبایل متعدد در شمال، جنوب، شرق و غرب شبه جزیره به اسلام گرایش یافتند، پیامبر(ص) به هنگام نیاز بویژه برای جنگهایی که با رومیان در شمال شبه جزیره داشت با انعقاد قراردادهایی، قبایل مختلف را ملزم می ساخت به جای پرداخت خراج، تعدادی نیروی نظامی و جنگجو در اختیار فرماندهی کل قرار دهند (طبری، ۱۹۶۱، ج ۲: ۴۰۳). این تعهدات نیز از روی اجبار و اکراه نبود، بلکه قبایل با علاقه خود برای شرکت در جهاد، آن را پذیرا می شدند و هنگام گذشتن سپاه از منطقه مسکونی خود، نیروهای داوطلب را به نیروهای اصلی ملحق می ساختند که از جمله می توان به غزوات موته، تبوک، فتح مکه و نیز حنین اشاره کرد. علاوه بر آن، زنان نیز برای کارهای جنگ بسیج می شدند که وظیفه آنان بیشتر، درمان مجروحان (معمولاً همسرانشان)، امداد رسانی با آب و تغذیه و... بود؛ اگرچه هنگام ضرورت، آنها نیز می جنگیدند؛ همان گونه که در اُحد چندتن از مشرکان را نیز کشتند (واقعی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۱۸).

پذیرش و بسیج نیرو نیز شرایطی داشت. پیامبر(ص) سنتی را پذیرفت که در عصر قبل از اسلام برای سن جنگجویان (معمولاً پانزده یا شانزده سال) رواج داشت (بیهقی، ۱۹۵۲، ج ۹: ۲۱). پیامبر(ص) در جنگ احد چندتن را که سنشان از این مقدار کمتر بود از میان صفوف جنگجویان خارج ساختند (ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۳: ۹؛ طبری، ۱۹۶۱، ج ۲: ۵۰۵). از دیگر شرایط، سلامت جسم بود. در ابتدا پیامبر(ص) استثنایی برای این کار قائل نبود و در صورت فرمان بسیج همگانی برای جهاد همه باید بسیج می شدند؛ حتی اگر کسی مثلاً کور بود تا این آیه نازل شد: «لیس علی الاعمی حرج» (قرطبی، ۱۹۶۷، ج ۸: ۱۵۰). بنابراین، نیروی بسیج شده می باید قوی و دارای بدن سالم، و توان جنگیدن داشته باشد. خداوند در سوره فتح آیه ۱۷ و توبه آیه ۹۰، نابینایان و ناشنویان، لنگان، بیماران، پیرمردان، ضعیفان و

نیز فقیران و کسانی را از بسیج شدن معاف فرموده است که پولی برای انفاق یا تهیه سلاح جنگ ندارند. - بسیج امکانات و منابع: همان‌گونه که جنگ و مدیریت آن بدون وجود نیروی انسانی معنا و مفهومی ندارد، نیروی رزم نیز بدون پشتیبانی مادی و بسیج امکانات، قادر به جنگ نخواهد بود. بسیج امکانات در جنگ‌های گذشته و حال همواره در نظر اندیشمندان نظامی و فرماندهان جنگ اهمیتی ویژه داشته است. رسول خدا(ص) در حیطه مدیریت نظامی خویش برای تدارک جنگ و درگیری با مشرکان و دشمنان در زمینه بسیج امکانات، اهتمام ویژه‌ای مبذول می‌داشتند. در نخستین غزوها و درگیریها به این دلیل که هنوز حاکمیت و حکومت پیامبر(ص) توسعه نیافته بود، بسیج امکانات برای جنگ از سوی جنگجویان، انفرادی یا توسط مردم صورت می‌گرفت. پس از مدت زمانی کوتاه این کار برعهده فرماندهی کل سپاه، یعنی شخص پیامبر(ص) قرار گرفت و آن حضرت در دو بُعد تسلیحات و تجهیزات جنگ و نیز تغذیه و خوراک نیروی رزمی به بسیج امکانات و منابع اقدام فرمودند. البته این کار براساس فرمان الهی وظیفه همه مسلمانان بود «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل...» (انفال/۶۰) و باید هر آنچه به‌عنوان قوه (نیرو) و اسب (تجهیزات) و در مجموع، منابع و امکانات مورد نیاز جنگ را فراهم سازند. بسیج امکانات و منابع از راه‌های مختلفی تأمین می‌شد: یکی توسط خود جنگجویان که هر آنچه از سلاح و امکانات دیگر مثل اسب، تغذیه، پوشاک و... نیاز داشتند، معمولاً از سهم اختصاص یافته آنان از بیت‌المال یا از اموال شخصی یا از غنایم جنگ‌های قبلی آن را تأمین می‌کردند (ابن‌شهاب‌زهری، ۱۴۰۱: ۹۳؛ ابن‌هشام، ۱۳۵۵، ج ۲: ۳۷۲).

دیگر اینکه صحابه ثروتمند برای رضایت حضرت حق، هزینه تأمین بخشی از تدارکات سپاه را برعهده می‌گرفتند و در حقیقت انفاق می‌کردند (ابن‌هشام، ۱۳۵۵، ج ۱: ۴۸۶). در بسیاری از موارد نیز زنان زینت‌آلات و جواهرات خود را می‌فروختند و از پول آن تدارکات مورد نیاز لشکر را فراهم می‌ساختند (دحلان، بی‌تا، ج ۳: ۱۴۸)؛ از جمله در غزوه تبوک، پیامبر(ص) ثروتمندان و بی‌نیازان را تشویق فرمود تا برای این امر انفاق کنند و عثمان از کسانی بود که هزار دینار انفاق کرد (ابن‌هشام، ۱۳۵۵، ج ۲: ۵۱۷)؛ اما تا اینجا این‌گونه بسیج امکانات برعهده فرماندهی و حکومت نبود.

از هنگامی که دولت پیامبر(ص)، مبانی و زیرساخت‌های خود را محکم کرد و غزوات و جنگ‌ها نیز توسعه یافت، این امر برعهده حکومت قرار گرفت. آن حضرت اقدامات متعددی برای بسیج امکانات و منابع انجام می‌دادند: یکی اینکه هرگاه اموالی به‌دست می‌آوردند که متعلق به خود ایشان و در حقیقت سهم فرماندهی بود (خمس غنایم)، آن را برای این امر مصرف می‌کردند؛ مثل اموال یهود بنی‌قریظه که

از آن در سریه‌ها و غزوه‌های بعدی بهره بردند. علاوه بر آن تعدادی از اسیران بنی قریظه را با سعد بن زید انصاری به سوی نجد فرستادند تا آنان از آن منطقه سلاح و اسب برای رسول خدا(ص) بخرند. برای جنگ تبوک دستور دادند برای کسانی که اسب ندارند، خریداری شود تا از فضیلت جهاد باز نمانند (ابن حجر عسقلانی، ج ۸: ۱۱۰). دیگر اینکه برای تأمین تدارکات و تجهیزات سپاه حتی در صورت نیاز از پیروان ادیان دیگر امکانات نظامی را به‌عاریه می‌گرفتند؛ برای مثال از یهودیان بنی قریظه ۷۰ زره و تعداد زیادی شمشیر اجاره کردند و پس از استفاده در جنگ خندق، آنها را باز گرداندند. هم‌چنین ضمن بستن پیمانهایی با مسیحیان نجران، تسلیحات و تجهیزاتی را به‌عاریه و امانت می‌گرفتند (بلاذری، ۱۳۹۸: ۱۰۴).

علاوه بر آن، پیامبر(ص) برای تأمین منابع و امکاناتی چون پوشاک، تغذیه و نیازهای سپاه در مسیر حرکت به‌سوی نقاط مختلف از جمله در مسیر تبوک و نیز نجران با مسیحیان آن مناطق، که اهل ذمه بودند، پیمانهایی بستند و از آنان خواستند تا مدتی معین مثلاً سه روز از سپاهیان اسلام پذیرایی و آنان را اطعام کنند؛ مثل پیمان صلح با قبایل غسان در شام و نیز مردم نجران که آنان به تأمین تدارکات لشکر اسلام شامل اسب، زره و دیگر نیازهای ضروری موظف شدند. این کار در دوران پس از رسول خدا(ص) بسیار گسترش یافت و حتی مسکن و محل سکونت نیز از جمله آن تعهدات شد. در برخی مواقع مسیحیان به‌جای جزیه، چنین تعهدی را می‌پذیرفتند. موارد متعددی از این صلحنامه‌ها و پیمان‌نامه‌ها امروزه در دست است.

با فتح مکه، محور مکه و مدینه از محورهای اصلی امداد رسانی بود که با دنیای خارج از شبه‌جزیره از طریق سواحل دریای سرخ ارتباط برقرار می‌کرد. دو راه غربی بین مکه و خارج از شبه‌جزیره و شرقی بین مدینه و خارج شبه‌جزیره، راه مهمی به‌سوی سرزمینهای شام قرار داشت که در محورهای این دو راه، امداد دائم از وسایل مختلف انجام می‌شد و اگر راه امداد رسانی توسط دشمن قطع می‌شد، پیامبر(ص) با پیروزی بر قبایلی که عامل بستن آن محور بودند آن را باز می‌فرمود (ابن حزم اندلسی: ۱۸۴؛ ابن سیدالناس، ج ۲: ۵۴). تعیین و انتخاب محل استراحت لشکر، که البته باید در نزدیکی چاه‌ها و چراگاه‌ها و امکان اختفا و پوشش آن فراهم می‌بود، تأمین وسایل انتقال یا نقلیه چون شتر و الاغ برای مسافتهای طولانی و کوتاه، تأمین تغذیه از جمله خرما، ملخ، گوشت، گندم، کشمش، نان، آرد جو، خیار چمبر و شیر از دیگر وظایف رسته تدارکات و پشتیبانی بود (بخاری، ۱۴۰۱، الذبایح: ۱۳). منابع تهیه خوراک در مدینه، خود جنگجویان و در مسیر حرکت، اهالی و ساکنان محلی و نیز

شکار (مسلم، الصید: ۵۲) و استفاده از چراگاه‌های مسیر راه با اجازه صاحبان آنها بود؛ اما چادر و پوشش (خیمه) برای استراحت سپاهیان، انبار و ذخیره‌سازی مواد خوراکی اضافی و سلاح‌های مازاد، همگی از جمله وظایف رسته تدارکات و پشتیبانی هنگام جنگ بود (واقدی، ۱۴۰۴، ج ۳: ۹۶۶؛ ابن‌هشام، ۱۳۵۵، ج ۴: ۲۳۴؛ ابن‌سعد، ج ۲: ۴۴). گرچه لشکر اسلام در تأمین منابع مورد نیاز با سختی‌های فراوانی از جمله کمبود وسایل نقلیه، مواد خوراکی، کمبود چاه‌ها و آب، کمبود سلاح و پوشش مناسب جنگ روبه‌رو بود و کار را بر رسته تدارکات دشوار می‌ساخت، ایمان و انگیزه و روحیه، بسیاری از این سختی‌ها را آسان می‌کرد.

۴. اصول و شیوه‌های مورد استفاده پیامبر اکرم (ص) در جنگها

- سازماندهی جنگها. پیامبر اعظم (ص) به‌عنوان فرمانده کل قوا، همه جنگها را سازماندهی می‌کرده است؛ مانند تصمیم‌گیری سریع و صحیح، شجاعت فردی و قدرت جسمی، دوراندیشی، شناخت روحیات و استعدادها، اعتماد متقابل و دوستی دوجانبه، بهره‌گیری از شیوه‌های نو، آشنایی و به‌کارگیری اصول جنگ از جمله تعیین و تداوم اهداف، بهره‌گیری از اصل غافلگیری، پایبندی به اصل رازداری، تمرکز نیروها و صرفه‌جویی در قوا و بهره‌گیری از اصل تهاجم در مواقع ضروری که همه اینها را در میدانهای نبرد رعایت می‌کرد و در بسیاری از نبردها و مأموریت‌های جنگی، مقاصد نهایی را مخفی می‌داشت؛ حتی در مواردی که کسی را به فرماندهی گروهی منصوب می‌کرد، نامه مهر شده‌ای را می‌داد و می‌فرمود «بعد از اینکه - مثلاً - دو روز به فلان جهت راه سپردی، نامه سر به مهر را باز کن و به دستور آن عمل کن. سیره عملی پیامبر اعظم (ص) و پیشوایان بزرگ اسلام نیز نشان می‌دهد که آنها برای مقابله با دشمن از هیچ فرصتی غفلت نمی‌کردند؛ در تهیه سلاح و افراد، تقویت روحیه سربازان، انتخاب محل اردوگاه مناسب برای حمله به دشمن و به‌کار بستن هرگونه شیوه جنگی، هیچ مطلب کوچکی و بزرگی را از خود دور نمی‌ساختند. در روزهای جنگ حنین به پیامبر (ص) خبر دادند که سلاح تازه و مؤثری در یمن اختراع شده است. پیامبر فوراً کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند. خدای متعال نیز به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که مؤمنان را به جنگ (با دشمنان) تشویق کند: یا ایها النبی حرّض المؤمنین علی القتال (آئینه‌وند، ۱۳۸۳: ۸۸).

رسول خدا (ص) در غزوات خود برخلاف جنگهای عصر جاهلیت از شیوه کرّ و فرّ بهره نمی‌برد و علاوه بر ابتکار نظام صف به‌جای کرّ و فرّ، به سازماندهی بی‌سابقه‌ای در چهار مرحله بدین شرح پرداخت:

الف. سازماندهی قبل از حرکت سپاه

ب. سازماندهی هنگام حرکت و در مسیر

ج. سازماندهی هنگام استقرار در اردوگاه قبل از جنگ

د. سازماندهی در میدان جنگ

نوع اول و دوم در عصر حاضر در حیطه راهبرد می‌گنجد؛ اما نوع سوم و چهارم امروزه در حیطه شیوه‌ها قرار می‌گیرد؛ با این حال هر چهار محور در عصر پیامبر(ص)، چه به‌طور عملی و چه نظری در حیطه سازماندهی و یا «تعبیه» قرار می‌گیرد؛ زیرا این اصطلاح در آن دوران به‌جای راهبرد و روش به کار می‌رفته است و در متون تاریخی چیزی جز تعبیه الحریبه (سازماندهی جنگی) دیده نمی‌شود (قائدان، ۱۳۹۷: ۸۱ و ۸۰).

– کسب اطلاعات از دشمن. از آن زمانی که پیامبر در مدینه سکنی گزید، پیوسته مأموران زیردست را روانه اطراف می‌کرد تا حضرت را از اوضاع و خارج مدینه آگاه سازند و پس از گزارش کارها و حرکات دشمنان آن حضرت کارهای لازم را برای دفع حرکات دشمنان فراهم می‌ساخت و این یکی از مهمترین روشهای رسول‌الله(ص) در سیره سیاسی آن حضرت است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. عباس عموی پیامبر(ص) هجرت نکرد؛ بلکه در مکه ماند و همیشه جریان‌ات مکه را به پیغمبر(ص) گزارش می‌کرد؛ لذا پیامبر(ص) توانست جلو کاروان قریش را بگیرد.

ب. پیامبر اکرم(ص) دو نفر را به نامهای «سبیس بن جهنی» و «عدی بن ابی‌الزغب» به‌منظور کسب اطلاعات از کاروان قریش و ابوسفیان روانه بدر کرد. آنها در مأموریت خود این خبر را به‌دست آوردند که پس فردا کاروان قریش به اینجا (بدر) می‌رسند و این خبر مهم را با سرعت به رسول خدا رساندند.

ج. قبل از جنگ احزاب گزارشگران به پیامبر(ص) اطلاع دادند که اتحادیه نظامی نیرومندی بر ضد اسلام تشکیل شده است؛ این اتحادیه در روز معینی حرکت می‌کنند و قصد دارند مدینه را محاصره کنند. پیامبر(ص) فوراً به مشورت پرداخت؛ سپس به مسلمانان دستور داد که اطراف شهر را خندق حفر کنند.

د. آن حضرت حذیفه بن یمان را مأمور ساخت که شب هنگام، میان قریش در جنگ خندق برود و از وضع و تصمیم آنها رسول خدا(ص) را با خبر سازد و حذیفه مأموریت خود را انجام داد.

و. در فتح مکه یکی از مسلمین مدینه به دوستش در مکه، نامه‌ای نوشت و به وی اطلاع داد که محمد(ص) به قصد تسخیر مکه، تجهیزات جنگی زیادی را برای سفر جنگی تهیه کرده است و به شهر

حمله خواهد کرد. پیامبر از این جریان آگاه شد و علی(ع) را فرستاد تا زنی را که به طرز مرموزی از مدینه حرکت کرده و سوار بر شتر بود، دستگیر کند. علی(ع) با سرعت خود را به آن زن رساند و نامه را طلب کرد. زن منکر شد. بالاخره حضرت به او اخطار دادند. آن گاه مجبور شد که نامه را از میان موهای سرش درآورد و تسلیم حضرت کند. علی(ع) نامه را نزد پیامبر آورد (حمیداله، ۱۳۶۳: ۱۷۸).

- ایجاد اختلاف در اردوی دشمن. در جنگ احزاب که مدینه حدود یک ماه در محاصره دشمن بود، روزی، نعیم بن مسعود تازه مسلمان خدمت پیامبر(ص) آمد و عرض کرد یا رسول الله(ص) من تازه مسلمان شدم و برای اطاعت از دستور شما حاضرم. آن حضرت فرمود تو در میان ما یک نفر بیش نیستی ولی اگر می توانی به وسیله ای، میان دشمن اختلاف بینداز؛ زیرا نیرنگ در جنگها به کار می رود. نعیم یکسره نزد بنی قریظه رفت و گفت دوستی مرا که می دانید، بدانید که قریش و غطفان مانند شما نیستند. اینجا شهر شما و سرزمین شما است و همیشه اینجا مستقر هستید؛ اما قریش و غطفان از جای دور آمدند. اگر پیروز شوند غنیمتی به دست می آورند و می روند. اگر اوضاع تاریک بود و شکست بخورند به شهرهایشان می روند و شما همیشه در مقابل محمد(ص) هستید و در تهدید به سر می برید و توان مقاومت با محمد(ص) را ندارید؛ لذا پیشنهاد می کنم به نیروی احزاب بگوئید برای اطمینان، چند نفر از بزرگان قریش و غطفان را به عنوان گروگان نزد ما بگذارید و گرنه به جنگ با محمد اقدام نکنید. بنی قریظه حرف نعیم بن مسعود را با دل و جان شنیدند و پذیرفتند. از آن سو به نزد قریش آمد و به ابوسفیان و دیگر سران آنها گفت من نسبت به شما علاقه زیادی دارم که آگاهید و خبری شنیدم که باید شما را آگاه سازم و آن اینکه یهودیان از شکست پیمان خود با محمد(ص) پشیمان شده اند و می خواهند به هر صورت شده آن را به نوعی جبران کنند؛ لذا تصمیم دارند چند نفر از بزرگان شما را گروگان بگیرند و به محمد(ص) تحویل دهند و از این راه، صداقت خود را نشان دهند و محمد(ص) را از خود راضی کنند و نیز به او قول داده اند تا آخر جنگ، مسلمین را یاری خواهند کرد؛ بنابراین شما نباید گروگان دادن بزرگان را بپذیرید. سپس نعیم نزد قبیله غطفان رفت و همان حرفها را تکرار کرد و آنان را از گروگان گذاشتن بزرگان بر حذر داشت. خبر نعیم بن مسعود نیروهای احزاب را بشدت نگران ساخت. در نتیجه سران قریش و غطفان نمایندگانی تعیین کردند تا با بنی قریظه گفتگو، و فردا حمله را آغاز کنند. بنی قریظه در جواب آنها گفتند فردا که شنبه است و ما به هیچ کاری دست نمی زنیم و از این گذشته تا چند نفر از بزرگانتان را به عنوان گروگان به ما ندهید، ما به جنگ اقدام نمی کنیم؛ زیرا ممکن است جنگ ادامه پیدا کند و شما به شهرهای خود برگردید و ما را در مقابل محمد(ص) تنها

بگذارید؛ آن وقت ما نیروی مقاومت با او را نداریم؛ از این سخن دلسردی عجیبی در میان آنها به وجود آمد و این مطلب شایع شد و موجب پراکنده شدن آنها شد (آخوندی، بی تا: ۱۰۷).

- وحشت انداختن در دل دشمن. یکی از روشهای مهم نظامی ایجاد وحشت و رعب در دل دشمن است. این موضوع در شکست دادن دشمن سهم بسزایی دارد. پیامبر اعظم (ص) در رویارویی با دشمن از این امر مهم استفاده می کرد؛ چنانکه فتح مکه نتیجه ایجاد وحشت در دل دشمنان است. پیامبر برای فتح مکه و گشودن محکمترین دژهای بت پرستی و برانداختن حکومت ظالمانه قریش (که بزرگترین سد در راه پیشرفت آئین توحید بود) بسیج عمومی اعلام کرد و همراه ده هزار نفر از سپاهیان اسلام به منطقه «مرالظهران» (چند کیلومتری مکه) رسید و برای ایجاد رعب و هراس در دل مردم مکه، دستور داد که سربازان اسلام در نقاط مرتفع آتش افروزند و هر کسی به طور مستقل آتش بیفروزد تا نواری از شعله‌های آتش، تمام کوه‌ها و نقاط مرتفع را فراگیرد. مردم مکه یکباره متوجه شدند که در محاصره کامل قرار گرفته‌اند و آتش همچون دایره‌ای، شهر مکه را احاطه نموده است. در این لحظه سران قریش مانند ابوسفیان بن حرب و حکیم بن حزام برای تحقیق از مکه بیرون آمدند و به جستجو پرداختند و وقتی توسط عباس، عموی پیامبر (ص) از قدرت و عظمت سپاه پیامبر آگاه شدند از ترس به فکر تسلیم افتادند و مکه بدون جنگ تصرف شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ۴۴).

- حضور در صحنه جنگ. پیامبر اعظم (ص) در جنگهایی که خودش شرکت می کرد، شخصاً فرماندهی را به عهده می گرفت و دستورهای لازم را صادر می کرد و با سپردن مأموریت مناسب به هر یک از یگانهای لازم، اصل همکاری را در همه غزوه‌ها حفظ می کرد و با ایجاد همکاری میان صفوف گوناگون در زمان مناسب، راه پیروزی سپاه خویش را هموار می ساخت. درباره حضور آن حضرت در جنگ بدر آمده است که حضرت از مقرر فرماندهی دستور داد از حمله خودداری، و با تیراندازی از پیشروی دشمن جلوگیری کنند. خودشان نیز شجاعانه به جنگ می پرداخت طوری که علی (ع) می فرماید هرگاه آتش جنگ شعله می کشید ما به رسول خدا پناه می بردیم که در آن لحظه کسی از ما همانند پیامبر (ص) به دشمن نزدیکتر نبود. آن حضرت قبل از آغاز جنگ، لشکر خود را منظم می ساخت و روحیه سربازان اسلام را تقویت می کرد و فنون و روشهای نظامی را به آنها آموزش می داد، چنانکه در جنگ احد برای خالی نگذاشتن سنگرهای مهم، توصیه فراوان کرده بود تا دشمن از پشت بر مسلمانان حمله نکند؛ اما آینده احد و شکست مسلمانان نشان داد که این شکست در نتیجه سرپیچی از فرمان پیامبر و به دلیل خالی گذاشتن سنگر حساس بود (ابن هشام، ۱۳۵۵، ج ۲: ۴۵۷).

- اصل خلاقیت و نوآوری. عامل دیگر موفقیت پیامبر(ص) در جنگها این است که ایشان دارای ویژگی خلاقیت و نوآوری بود. معمولاً مدیران خلاق از وضع موجود راضی نیستند؛ خطر پذیرند و در اوضاع خاص، تغییر شیوه می‌دهند. پیامبر نیز از این ویژگی برخوردار بود، از طرحها و شیوه‌های جدید استقبال می‌کرد. در جنگ خندق تغییر شیوه داد و از شیوه حفر خندق در جلوی پای دشمن استفاده کرد. در دنیای آن روز در امپراتوری ایران و روم حفر خندق معمول بود؛ ولی در شبه جزیره عربستان حفر خندق سابقه نداشت. شیوه جنگی عربها بر کر و فر مبتنی بود. در جنگ خندق هنگامی که ده هزار نفر به فرماندهی ابوسفیان خودشان را به مدینه رسانیدند، وقتی خندق را در جلو پای خود دیدند، کاملاً متحیر شدند. آنها شیوه گذشتن از خندق را نمی‌دانستند و لذا بیش از یک ماه در پشت خندق متوقف شدند. سپاه احزاب ۶۰۰ سواره نظام داشت و بقیه پیاده نظام بودند. هدف طرح خندق، جلوگیری از تهاجم اولیه سواره نظام دشمن بود که اگر خندق نمی‌بود ۶۰۰ اسب سوار دشمن در همان تهاجم اولیه به صورت برق آسا خودشان را به مقر فرماندهی سپاه اسلام می‌رسانید.

طرح خندق، که تحت مدیریت عالی پیامبر اکرم(ص) در کمتر از ده روز تکمیل شد از این نظر صددرصد به اهدافش رسید؛ یعنی از تهاجم اولیه سواره نظام دشمن جلوگیری کرد و خسارات مالی و جانی مسلمانان را نیز به صفر رسانید. در اینجا بود که لشکر اسلام به یاری ابتکار روشهای جدید در جنگ با حفر خندق و هم‌چنین با فرمانده یگانه و خویشتن‌دار و به کارگیری خدعه و برتری روح معنویت بر قریش و هم‌پیمانان آنان به پیروزی رسید؛ در نتیجه این پیروزی از آوازه و هیبت قریش نزد قبائل عرب کاسته شد و مرکزیت و محوریت سیاسی و نظامی آنان از دست رفت. ارزش ابوسفیان با این شکست به‌عنوان فرمانده سقوط کرد و محوریت او در میان هم‌پیمانان سست شد؛ زیرا او با حفر خندق شکست سختی خورد و با فرار قبیله غطفان و همراهان آنان ننگی بر چهره قریش نهاده، و بر ایشان ثابت شد که در پیروزی بر این لشکر بی‌ارزش، ناتوان هستند.

یهود پس از این جنگ هراسیدند و به‌علت نقض پیمان خویش با مسلمانان به نابودی خود مطمئن شدند. پیامبر(ص) نیز بلافاصله بنی‌قریظه را محاصره کرد و در پاکسازی آنان از مدینه موفق شد. باید گفت این جنگ نقطه عطف در موضع لشکر اسلامی از حالت دفاعی به هجومی بود. این پیروزی صلح حدیبیه را به‌دنبال داشت که به‌مثابه پیروزی عظیم اسلام بود؛ اما قریش این صلح را نقض کردند و ضمن بررسی راهی برای خروج از آن در پی فرصتی بودند تا در مقابل لشکر اسلام بایستند؛ در نتیجه پیامبر(ص) برای غزوه فتح شتاب کرد و به میان شهر و خانه‌های آنان هجوم برد. او برای داخل شدن به

مکه نقشه‌ای محرمانه کشید و با این نقشه، روش هجوم ناگهانی را تحقق بخشید و پس از اینکه قریش را با بهت، تسلیم و عدم توان بر جنگ و مقاومت در مقابل این لشکر روبه‌رو ساخت، داخل مکه شد و بر دشمنان خود پیروزی یافت. قریش نیز پس از این پیروزی به رهبری رسول اکرم (ص) اقرار کردند و به دین جدید ایمان آوردند.

- روش مسلمین در غزوه بدر. قریش در جنگ بدر نهد و پنجاه مرد جنگی، هفتصد شتر و یکصد اسب داشتند در حالی که مسلمین سیصد و سیزده مرد و بیش از هفتاد شتر و دوا سب نداشتند. پیامبر (ص) به مسلمین فرمود تا امروز اعراب در جنگها انفرادی می‌جنگیدند و جنگ تن به تن را ترجیح می‌دادند و هرکس می‌کوشید به تنهایی ابراز شجاعت کند تا به جلوه درآید و دیگران او را به‌عنوان قهرمان بشناسند؛ ولی ما در این جنگ برای خدا پیکار می‌کنیم نه برای خودمان و خداوند جانفشانی یکایک ما را می‌بیند. دیگر اینکه شماره سربازان ما در این جنگ یک سوم سربازان مکه است. اگر انفرادی بجنگیم، نابود خواهیم شد؛ اما اگر دسته جمعی پیکار کنیم، امید پیروزی داریم. سپس پیامبر اکرم (ص) روشی را به مسلمین آموخت که تقریباً هزار سال قبل از آن تاریخ (فیلیپ) پدر اسکندر مقدونی، این شیوه را ابداع کرد که در زبان یونانی آن را "فالانتر" می‌خواندند. فالانتر این بود که سربازان کنار هم می‌ایستادند به طوری که تهیگاه هر یک از آنها بر تهیگاه دیگری می‌چسبید و بعد صف آنها خم می‌شد و به شکل مثلث یا مربع یا دایره درمی‌آمد. در آن مثلث یا مربع یا دایره روی تمام سربازان به یک طرف یعنی به سوی دشمن بود و پشت آنها به داخل مربع یا مثلث و دایره بود؛ در نتیجه دشمن نمی‌توانست از عقب به آنها حمله کند؛ برای اینکه به هر طرف که می‌رفت با روی سربازان روبه‌رو می‌گردید.

پیامبر (ص) برای اولین بار در تاریخ جزیره‌العرب این روش نظامی را وارد عربستان کرد و در جنگ بدر مورد استفاده قرار داد. آنچه سبب پیروزی مسلمانها در جنگ بدر شد، همین روش بدون سابقه در عربستان بود. فالانترهای سپاه اسلام، که در آن روز به وسیله محمد (ص) به وجود آمد، مثلث بود و سه پرچم در سه ضلع آن دیده می‌شد. محمد (ص) در آن روز در جزیره‌العرب از خود نبوغ نظامی نشان داد؛ زیرا سه دسته مثلث شکل به وجود آورد که هر یک از آنها مکمل و پشتیبان دیگری بود و دشمن از هر طرف که حمله می‌کرد به یکی از این دسته‌ها برخورد می‌کرد و در عین حال هر دسته پشتیبان دسته دیگری به‌شمار می‌آمد. در هر فالانتر یعنی در هر دسته مثلث شکل یک پرچم دار دیده می‌شد.

پرچم دار فالانتر اول علی بن ابیطالب (ع) بود که پرچم سفیدی در دست داشت و روی پرچم نقش

یک عقاب به نظر می‌رسید. پرچم فالانژ دوم را مصعب بن عمیر از مهاجران به دست گرفته بود و پرچم فالانژ سوم را یکی از انصار به دست گرفته بود. پیامبر اسلام (ص) جای اردوی مسلمین را طوری قرار داده بود که آفتاب از طرف جلو به چشمهای آنها نتابد تا دیدگان آنها را خیره کند. این ابتکارات حکایت از این می‌کند که پیامبر (ص) از فن جنگ اطلاع داشت. البته ما نمی‌دانیم که آن مرد بزرگ، فن جنگ را در کجا آموخته بود؛ انسان حیرت می‌کند. چگونه محمد (ص) که سربازانش یک سوم سربازان قشون مکه بود، جرئت کرد با قشون مکه در منطقه نبرد پیکار کند. پیامبر اکرم (ص) در ابتدای جنگ، آیاتی از کلام الله مجید را قرائت کرد و سپس مسلمین را به بهشت وعده داد. آهنگ رسول خدا (ص) طوری بود که مسلمین به وجد آمدند. یکی از مسلمین از میان صفوف فریاد زد بین من و بهشت چقدر فاصله است. جواب شنید بین تو و بهشت تا جنگ با کفار. آن شخص چند دانه خرما در دست داشت؛ خرماها را دور ریخت و از صف خارج شد؛ با کفار جنگ کرد و در همان لحظات اول کشته شد. پیامبر (ص) فریاد زد برای رفتن به بهشت از صف خارج نشوید. اینها نشان می‌دهد که روش صف از اهمیت نظامی بسیار فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است. حال پیامبر (ص) شیوه صف را که کاملاً بدیع و جدید بود و نظیرش قبلاً در شبه جزیره عربستان در جنگ‌ها معمول نبوده است از کجا آموخته و چه کسی به او آموزش داده است معلوم نیست. پیامبر اکرم (ص) در جنگ تا زمانی که افراد مسلمین اندک بودند و دشمن چندین برابر مسلمین بود از شیوه صف استفاده می‌کرده است؛ لذا می‌بینیم در جنگ احد نیز از این شیوه استفاده کرده است. در جنگ احد قبل از اینکه جنگ آغاز شود، محمد (ص) در بامداد زره بر تن کرد و خطاب به مسلمین گفت روش کلی جنگی ما امروز همان شیوه جنگ بدر است؛ یعنی باید فالانژ تشکیل بدهیم تا دشمن از هر طرف که حمله کند با روی سربازان روبه‌رو بشود.

در امتداد جنوب یک تپه کم ارتفاع دیده می‌شد که به تپه عینین موسوم بود و نظر محمد (ص) را به خودش جلب کرد. محمد دو دسته از پیادگان مسلمان را که همه تیرانداز بودند به فرماندهی عبدالله بن جبیر مأمور کرد که بالای تپه قرار بگیرند. تپه عینین از لحاظ راهبرد جنگی بسیار اهمیت داشت. محمد با نبوغ نظامی و مهارت فنی به اهمیت آن تپه پی برد. منطقه‌ای که مسلمین در آن موضع گرفته بودند نوعی فرورفتگی داشت و در دامنه کوه احد قرار داشت که دشمن نمی‌توانست از هیچ راهی از پشت سر مسلمانان سر به در آورد. با اینکه نیروی بت‌پرستان مکه بیش از چهار برابر نیروی مسلمین به‌شمار می‌آمد از نخستین دقایق جنگ معلوم بود که موفقیت با مسلمین است. همه اینها نشان

می‌دهد که محمد(ص) نبوغ نظامی داشت و از مهارت فنی بسیار زیادی برخوردار بود و توان تشخیص موقعیت خود و موقعیت دشمن را داشت و در انتخاب میدان نبرد و آرایش نظامی و مکانهای راهبردی و سوق الجیشی کم نظیر بود.

- روشهای عملیات روانی: پیشینه عملیات روانی با توجه به آیات قرآن به پیش از هبوط انسان به زمین باز می‌گردد؛ بدین‌سان، عملیات روانی در گستره‌ای فرازمانی و با سرپیچی ابلیس از دستور خداوند آغاز می‌شود و در سیر تدریجی تاریخی بویژه در دوره پیامبران عظام و ائمه معصومین(ع) ادامه می‌یابد (طائب، ۱۳۹۲: ۱).

جنگ روانی در صدر اسلام ابتدا از سوی دشمنان پیامبر(ص) و قرآن در ابعاد گوناگون و متنوعی بویژه در طول سیزده سال حضور آن حضرت در مکه و در پوشش تهاجمی همه‌جانبه و گسترده برای نفی دعوت پیامبر اسلام(ص) و خاموش کردن ندای حق‌طلبی و عدالتخواهی او به کار گرفته شد (رشیدی و آذر، ۱۳۹۴: ۱۰۲).

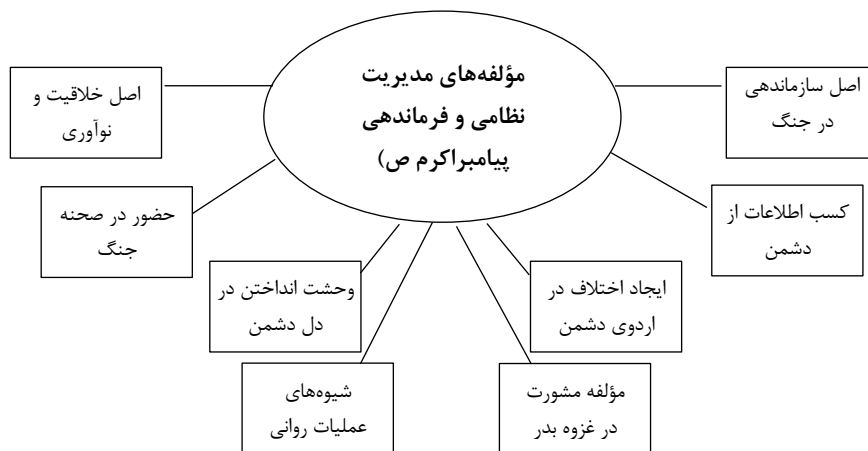
در مکتب اسلام، اگرچه به کارگیری روش عملیات روانی در جهاد علیه دشمن مجاز شمرده شده است، چارچوب خاصی را می‌طلبد؛ به عبارت دیگر مقید است و نه مطلق و این امر تا جایی مجاز شمرده شده است که به اصول و ارزشها و کرامت انسانی لطمه‌ای وارد نسازد؛ چنانکه پیامبر اسلام(ص) در جنگ طائف به منظور ایجاد شیوه روانی و درنهایت تسلیم دشمن به قطع درختان اقدام نکرد و تنها وانمود کرد که چنین می‌کند (سبحانی، ۱۳۹۳: ۳۶۲).

جدول ۱. محورهای عملیات روانی پیامبر اکرم صل الله علیه و آله

مهم‌ترین محورهای عملیات روانی بکار رفته در عصر نبوت پیامبر اسلام (ص)			
مؤلفه	غزوه احد	غزوه بدر	غزوه خندق
انتشار شایعه	✓	✓	✓
استفاده از اشعار	✓	✓	✓
تظاهر به قوی بودن	✓	✓	✓
پایبندی به مقدسات خود و حمله به مقدسات طرف مقابل	✓	✓	✓

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

در پاسخ به پرسش اصلی این مقاله، «مؤلفه‌های مدیریت نظامی و فرماندهی پیامبر اکرم(ص) چیست؟» می‌توان این‌گونه تجزیه و تحلیل کرد که رسول‌الله(ص) به‌منظور پیروزی در جنگها از شیوه‌هایی استفاده می‌کرد که باعث پیروزی در آنها می‌شد؛ لذا در این پژوهش می‌توان با توجه به الگوی ذیل پاسخی به سؤال تحقیق ارائه کرد:



نمودار ۱. الگوی مفهومی مؤلفه‌های مدیریت نظامی و فرماندهی پیامبر اکرم(ص)

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی این مقاله باید به این نکته اشاره کرد که این مقاله در چهار بخش کلی تدوین شده است: در قسمت اول سعی نگارنده، این بود تا مفهومی از واژه‌های مرتبط با مقاله، ارائه کند، در قسمت دوم به‌سیره پیامبر(ص) در جنگها اشاره شد. در قسمت سوم مدیریت منابع و نیروی انسانی در جنگهای پیامبر(ص) مورد بررسی قرار گرفت و در قسمت چهارم به بررسی مؤلفه‌های مدیریت نظامی و فرماندهی پیامبر اکرم(ص) در جنگها پرداخته شد.

نتیجه مطالب:

۱. بررسی تمام نبردهایی که لشکر اسلام در همه جبهه‌ها انجام داد، ثابت می‌کند که نیرو و امکانات و امداد رسانی زیاد، علت کافی در تحقق پیروزی نبوده است. در حقیقت سازماندهی این امکانات و به‌کارگیری خوب آنها در زمان و مکان مناسب، هرچند این امکانات کم بود و یا حتی نبود از

آشکارترین عوامل پیروزی به‌شمار می‌رفته است. از این رو سپاه اسلام توانست بر یهود، که قویترین امکانات را در اختیار داشتند و همین‌طور بر روم که از انواع گوناگون امکانات برخوردار بودند و نیز قبائل عرب دشمن که هزاران رأس گوسفند، قاطر، شتر و اسب داشتند به پیروزی دست یابد.

۲. نقش رسول خدا پیامبر(ص) برای پرورش نیروی نظامی هنگام وجود جهاد آغاز شد. در این هنگام به سازماندهی و فراهم ساختن لشکر و آموزش آنان به‌دنبال غزوه‌ها و سرایایی همت گماشت که اهداف سیاسی و نظامی را محقق کرد؛ زیرا در این راه برای ثبات حکومت و گسترش دعوت اسلام چاره‌ای جز آن نداشت و آمال و آرزوهای مجاهدان و تجهیز آنان برای اقدام مشترک در سایه فرماندهی یگانه برآورده می‌ساخت و بر هیبت و ابهت مسلمانان در میان دشمنان می‌افزود. فرماندهی کل برای آماده ساختن لشکر و آموزش فنون جنگی به آنان همواره کوشید تا اینکه به آمادگی جنگی تسلط کامل برتری و توان برای رویارویی با دشمنان و یاری هم‌پیمانان خود دست یافت.

۳. انواع شیوه‌ها و روشهای جنگی که رسول خدا پیامبر(ص) در غزوات خود مورد استفاده قرار می‌داد از قبیل شیوه‌های مشورت، شیوه به‌کارگیری صف در جنگ بدر و احد و شیوه حفر خندق در جنگ احزاب و شیوه غافلگیری و جنگ روانی در غزوه فتح مکه و شیوه محاصره در جنگ قلعه‌ها، کسب اطلاعات و تعیین هدف، یورش ناگهانی سریه، سرعت مانور، نیروی معنوی، تأمین کامل امور جنگی که اصول آن در جنگهای جدید نیز به‌کار گرفته می‌شود، اثر زیادی در پیروزی بر دشمن داشت و در بیشتر جنگها، شنیدن آوازه قدرت و صلابت آن برای لشکر پیروزی می‌آفرید.

۴. پیامبر اکرم (ص) به عنوان فرمانده کل در شیوه مدیریتی خود در جنگها خلاق و نوآور بود. پیامبر(ص) هیچ‌گاه به‌شیوه قدیمی و سنتی اعراب، که همان شیوه کر و فر بود، فکر نمی‌کرد؛ سعی می‌کرد از شیوه جدید استفاده کند و اساساً شیوه‌هایی را که ایشان در غزوات به‌کار برده است در جزیره‌العرب سابقه چندانی نداشت و لذا وقتی دشمنان با شیوه‌های بدیع و جدید آن حضرت روبه‌رو می‌شدند در بهت و حیرت و سرگردانی به‌سر می‌بردند و به‌شکست تن می‌دادند.

۵. نیروی معنوی سپاه اسلام در جنگها یکی از عوامل پیروزی بر دشمن به‌شمار می‌رفت. در طول جنگها در جبهه‌های مختلف، بیشتر جنگها معمولاً نابرابر بوده است. سپاه کفر از نظر تعداد، افرادشان خیلی بیشتر از نیروهای اسلام بود و از نظر ابزار و وسائل و ادوات جنگی نیز آنها مجهزتر بودند؛ ولی نیروهای اسلام یک چیز را در اختیار داشتند که آنها فاقد آن بودند و آن ایمان به خدا و نیروی معنوی بود؛ بنابراین ایمان و اعتقاد راسخ و معنویت در جبهه‌های جنگ در هر عصر و زمانی حرف آخر را می‌زند و غفلت از این عامل مهم، شکست قطعی را به‌دنبال خواهد داشت.

پیشنهادها

- مراکز مطالعات راهبردی نیروهای مسلح (ارتش جمهوری اسلامی ایران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) با تعریف و ایجاد طرحهای پژوهشی در راستای احصاء مؤلفه‌های مدیریت نظامی و فرماندهی پیامبر اکرم (ص) و سایر معصومین (ع) در غزوات مختلف اقدام و نتایج تحقیقات مربوط را در اختیار فرماندهان و مدیران سه رده راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی به‌عنوان تجربه‌های جنگی قرار دهند.

- مراکز و دانشگاه‌های نظامی نیروهای مسلح خروجی این پژوهش و سایر پژوهشهای مشابه را احصاء و سرفصلهای آن را در شرح تفصیلی دروس آموزشی قرار دهند و بعد از ابلاغ، به‌عنوان مباحث درسی به دانشجویان ارائه نماید.

کتابنامه:

الف) منابع فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن حجر عسقلانی (بی تا). الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. ابن حزم اندلسی، ابو محمد (بی تا). جوامع السیره. تحقیق احسان عباس، مصر: دارالمعارف.
۴. ابن سعد، محمد بن منیع (۱۴۱۰ق). الطبقات الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵. ابن شهاب زهری، محمد بن مسلم (۱۴۰۱). المغازی النبویه. تحقیق سهیل زکار. بیروت: دارالفکر.
۶. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک (۱۳۵۵ق). السیره النبویه. بیروت: مصطفی البابی الجلسی.
۷. اشراق، محمد کریم (۱۳۶۰). تاریخ و مقررات جنگ در اسلام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. ایوبی، هشتم (۱۹۸۵). الموسوعه العسکریه، بیروت: المؤسسة العربیه للدراسات و النشر.
۹. آخوندی، مصطفی (بی تا). نظام دفاعی اسلام. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۱۰. آیتی، محمد ابراهیم (۱۳۷۸). تاریخ پیامبر اسلام (ص). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. آئینه‌وند، صادق (۱۳۸۳). تاریخ اسلام. قم: نشر معارف.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱). صحیح البخاری. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۸). فتوح البلدان. تحقیق صلاح الدین المنجد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۴. بیهقی، احمد بن الحسین (۱۹۵۲). السنن الکبری، هند، رکن، دائره المعارف العثمانیه.
۱۵. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران: سمت.
۱۶. حمیداله، محمد (۱۳۶۳). رسول اکرم (ص) در میدان جنگ، تهران: نشر محمدی.
۱۷. دحلان، ذینی (۱۴۲۷). ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. رشیدی، مهدی، آذر، داوود (۱۳۹۴). تحلیل هرمنوتیک عملیات روانی در عصر نبوت پیامبر اسلام (ص). فصلنامه علوم و فنون نظامی. س یازدهم. ش ۳۲: ۱۲۰ - ۹۹.
۱۹. سبحانی، جعفر (۱۳۹۳). فروغ ابدیت. قم: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب.
۲۰. طائب، مهدی (۱۳۹۲). سیری در عملیات روانی در اسلام. فصلنامه عملیات روانی. ش ۲۲: ۲۷ - ۵.
۲۱. طبری، محمد بن جریر (۱۹۶۱). تاریخ الطبری. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۲۲. قائدان، اصغر (۱۳۸۵). مدیریت و رهبری پیامبر(ص) در عرصه‌های نظامی. فصلنامه مطالعات بسیج، ش ۳۱: ۴۱ - ۶.
۲۳. قائدان، اصغر (۱۳۹۷). سازماندهی جنگی در غزوات عصر پیامبر(ص). فصلنامه مطالعات تاریخی جنگ، ش سوم: ۹۶ - ۷۵.
۲۴. قرطبی، ابو عبدالله محمد (۱۹۶۷). الجامع الاحکام القرآن. قاهره: دارالکتاب العربی.
۲۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت مؤسسه الوفاء.
۲۶. مسلم، ابوالحجاج (بی تا). صحیح المسلم، بیروت: دارالمعرفه.
۲۷. معاونت آموزش نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۷۶). شیوه‌های گردان زرهی. تهران: معاونت آموزش نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ب) منابع خارجی و وبگاه‌ها

1. David, D. & Van Fleet, Gary (1979) Military Leadership an Organizational, Behavior Perspective, P. 1- 12.